

## پیام نامتعارف اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران

اظهارات اخیر آقای نتانیاو کوبی در برگیرنده این پیام عجیب به حاکمان ایران است که اگر از برنامه هسته ای عقب نشینند سرنگون گردنشان تسهیل می شود



### حسین باستانی

بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل، در کلیک مصاحبه دپیروز خود با بی بی سی فارسی، به شیوه ای نامتعارف سرانجام پیونده هسته ای را با دورنمای تغییر رژیم در ایران مرتبط دانست.

نخست وزیر اسرائیل در جایی از این مصاحبه گفت: اگر این حکومت دستش به سلاح هسته ای برسد مثل حکومت کره شمالی، ابدی خواهد شد و در جای دیگر تکرار کرد: اگر رژیم خامنه ای دستش به بمب اتم برسد این یعنی پایان آرزوی مردم برای آزادی در ایران... حکایت کره شمالی است. او در همین مصاحبه مجددا هشدار داد که وقتی رژیم دستش به سلاح هسته ای برسد... دیگر ماندنی خواهد شد و حتی از مردم ایران خواست: نگذارید این حکومت دستش به سلاح هسته ای برسد، زیرا اگر مجهز به سلاح هسته ای شود هرگز از شرش خلاص نخواهید شد.

مفهوم کلمات آقای نتانیاو آن است که دولت اسرائیل برنامه هسته ای ایران را ماتی بر سر راه براندازی حکومت ایران می داند و از بین رفتن این برنامه را تسهیل کننده تغییر رژیم جمهوری اسلامی تلقی می کند. این در حالی است که فحوائ اظهارات این مقام اسرائیلی، حتی به امکان سقوط حکومت از طریق ناراضیاتی های داخلی هم اشاره ندارد و ناظر بر تغییر رژیم از طریق تهاجم نظامی خارجی است چرا که سلاح هسته ای، قاعدتا نه در مواجهه با اپوزیسیون داخلی، که در مقابله با کشورهای دیگر کاربرد دارد.

چنین بیانی، با موضع شناخته شده تر تل آویو مغایرت دارد که دلیل نگرانی از برنامه هسته ای ایران را تهدیدآمیز بودن آن برای اسرائیل می داند و احتمالا، غیردیپلماتیک تر از آن است که همراهی جامعه بین المللی را به دست آورد با وجود این، از جنسی است که می توان انتظار داشت در ایران، بارها و بارها مورد استناد مخالفان اعتمادسازی هسته ای با جامعه بین المللی قرار بگیرد.

این مخالفان همواره تکرار کرده اند که هدف اصلی آمریکا و غرب از فشار بر برنامه هسته ای ایران، نه ملزم ساختن آن به قوانین بین المللی، که براندازی جمهوری اسلامی ایران است. طیفی از این مخالفان می گویند در صورت عقب نشینی حکومت ایران از خاکریز هسته ای، آمریکا و اسرائیل به سمت سنگری نزدیک تر به شاهرگ های حیاتی جمهوری اسلامی پیشروی خواهند کرد، و نتیجه می گیرند که بهتر است حکومت ایران هرگز چنین خاکریز مهمی را به دشمن تسلیم نکند.

تجربه های عراق و لیبی هرچند مسئولان حکومت ایران تاکید دارند که به دنبال سلاح اتمی نیستند، اما محافل قدرتمندی در داخل حکومت، با استناد به استدلال هایی کاملا مشابه با استدلال آقای نتانیاو - مرتبط دانستن برنامه هسته ای به بازدارندگی ایران در مقابل عملیات تغییر رژیم - نگرانی غرب از این برنامه را برای جلوگیری از تهاجم به جمهوری اسلامی لازم می دانند.

نگرانی از تبعات رفع نگرانی آمریکا و متحدانش، به ویژه پس از سقوط حکومت صدام حسین در عراق در سال ۲۰۰۳، در میان طیفی از محافظه کاران ایران گسترش شدیدی پیدا کرد.

این محافظه کاران تاکید داشتند که رژیم صدام حسین، پیش از سرنگون شدن به مدت بیش از یک دهه به همکاری با سازمان هایی بین المللی مسئول نظارت بر تولید و نگهداری سلاح های نامتعارف و حتی متعارف پرداخت و این سازمان ها به خنثی کردن کامل قدرت تسلیحاتی عراق پرداختند. اما سرانجام، وقتی توان دفاعی و تهاجمی بغداد را خنثی کردند و این حکومت دیگر ابزار موثری برای دفاع از خود در اختیار نداشت، دولت بوش به آن کشور حمله و حکومت را ساقط کرد.

این تجربه بسیاری از محافظه کاران بانقوذ در دستگاه های نظامی، سیاسی و امنیتی ایران را کلیک به این نتیجه رساند که حتی

المقدور، تحت فشار بین المللی به همکاری با سازمان ها و فرایندهای خلع سلاح کننده خود نپردازند. هرچند نتیجه گیری فوق بر این پیش فرض استوار بود که ایران ناگزیر از رویارویی همیشگی با غرب است و تحریم های بین المللی را نیز به گونه ای غیرواقع بینانه بی اهمیت می دانست، اما به وضوح در بخش مهمی از نهادهای نظامی و امنیتی دارای طرفداران زیادی بود.

حامیان این تحلیل، دو سال پیش دلیل جدیدی برای پافشاری بیشتر بر دیدگاه خود پیدا کردند و آن، سرنوشت حکومت معمر قذافی در لیبی بود. لیبی نیز - که از دهه ۸۰ میلادی در معرض حملات هوایی و تحریم های بین المللی قرار گرفته بود - بعد از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ و برای اجتناب از دچار شدن به سرنوشت او، به طور داوطلبانه به همکاری با خلع سلاح خود توسط سازمان های بین المللی پرداخت. اما از نگاه بسیاری از محافظه کاران نتیجه این تصمیم، نه تنها حکومت قذافی را از عملیات براندازانه غرب در امان نداشت، که دست آن حکومت را در مقابله با چنین عملیاتی بست.

حتی شخص آیت الله خامنه ای در فروردین ماه ۱۳۹۰، در پی اوج گیری جنگ داخلی در لیبی، با انتقاد از عملکرد قذافی در لیبی و تحویل امکانات هسته ای این کشور به آمریکا در مقابل تهدیدهای توخالی و وعده های ناچیز غرب گفت: تهدیدها و فشارهای غرب به سردمداری

### پیام نامتعارف اسرائیل

آمریکا در مورد ایران هم وجود داشت و همچنان نیز ادامه دارد اما مسئولان جمهوری اسلامی در مقابل این تهدیدها، نه تنها عقب نشینی نکردند بلکه امکانات هسته ای خود را هر سال بیشتر کردند. رهبر جمهوری اسلامی ایران، در دی ماه ۱۳۸۶ نیز تاکید کرده بود که ایران نباید تجربه لیبی را تکرار کند که به کلی همه فعالیت های هسته ای اش را کنار بگذارد... تهاش را جارو کند،

### تقدیم کند به آنها (غرب) سیگنال مزاحم

هرچند تحریم های نفتی و مالی یک سال اخیر، حکومت ایران را در حدی تحت فشار قرار داده که به تجدید نظر در سیاست هسته ای پرهزینه دوره آقای احمدی نژاد تن داده، اما شتابزده خواهد بود اگر تصور شود که تاثیر تحریم ها، محافظه کاران مغالطه اعتمادسازی با غرب را به کلی یا برای همیشه از مواضع سرسختانه قبلی منصرف کرده است.

کلیک اعلام ناراضیاتی دپیروز آیت الله خامنه ای از برخی از اقدامات رئیس جمهور ایران در سفر به نیویورک - موضعی که از قبل هم کلیک قابل پیش بینی بود - نشانه ای هشدار دهنده از وضعیت شکننده هواداران تعامل با جامعه بین المللی در ایران است.

در چنین شرایط حساسی، اعلام نگرانی بنیامین نتانیاو از ناممکن شدن سرنگونی حکومت ایران در صورت ادامه برنامه هسته ای، این معنی را به مخاطبان ایرانی انتقال می دهد که نگرانی تل آویو از این برنامه، صرفا امنیت اسرائیل نیست. در واقع چنین اظهاراتی، کوبی در بر گیرنده این توصیه عجیب به حاکمان ایران است که باید از برنامه هسته ای خود عقب نشینند تا امکان سرنگون گردنشان وجود داشته باشد.

دولت های مختلف دنیا، می توانند موافق یا مخالف حکومت ایران یا حتی علاقه مند به سرنگونی آن باشند. اما قرار بوده که هدف از فشار جهانی بر پیونده اتمی، وادار کردن ایران به شفافیت برنامه هسته ای باشد و نه - آن طور که آقای نتانیاو گفته - زمینه سازی برای براندازی آن.

تاریخ روابط خارجی ایران بعد از پیروزی انقلاب اثبات کرده که تکلیف بخش مهمی از سرنوشت مذاکرات ایران و غرب، نه در پای میز گفتگو، که در فضایی رسانه ای و تبلیغاتی تعیین می شود.

در صورتی که جامعه بین المللی دستیابی به توافق هسته ای با تهران در دوران مسئولیت دولت جدید این کشور را مهم می داند، چاره ای وجود نخواهد داشت جز آنکه فرایند ارسال سیگنال های مزاحم در مسیر مذاکرات اتمی مدیریت شود.